

دستاوردهای حقوقی برجام

دکتر صالح رضایی پیش رباط*

مقدمه

برنامه جامع اقدام مشترک^۱ (برجام) یکی از اتفاقات حقوقی و بین‌المللی مهم قرن بیست و یکم در حوزه علوم و فناوری هسته‌ای محسوب می‌شود. این توافق بین‌المللی که نتیجه ۲۲ ماه مذاکرات رسمی و فشرده بود، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (برابر با ۱۴ جولای ۲۰۱۵) فی‌مابین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ در شهر وین منعقد و در ۲۶ دی ۱۳۹۴ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۶) اجرایی شد. در خصوص ماهیت این سند بین حقوق‌دانان و دولت‌مردان اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از حقوق‌دانان معتقدند برجام موافقت‌نامه حقوقی یا معاهده نیست و نمی‌تواند آثار حقوقی معاهده را داشته باشد. شکل برجام، ماهیت مقررات آن و موازین حقوق بین‌المللی معاهدات مؤید این ادعاست (Mardani, 2016: 82).

در مقابل، گروه دیگری از حقوق‌دانان بر این نظرند که بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل و موازین حقوق ملی ایران، برجام معاهده بوده و در چارچوب اصل ۷۷ قانون اساسی مستلزم تصویب مجلس شورای اسلامی است (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴: ۱۶). بر اساس دیدگاه اخیر، مطابق نظام حقوقی ایران، هر سندی که متضمن تعهد بین‌المللی برای دولت ایران باشد، معاهده است و اینکه چه عنوانی دارد، مؤثر در مقام نیست. مفاد برجام متضمن تعهدات حقوقی برای کشور بوده و معاهده محسوب می‌شود.

برجام چه معاهده باشد یا نباشد، عجالتاً توافق بین‌المللی با تعهدات مشخص برای طرفین است که می‌بایست ایفا گردند. از همان ابتدا، این توافق بین‌المللی در هر دو طرف (ایران و طرف‌های خارجی) موافقان و مخالفان خاص خود را داشته است. در ایران، برخی از مخالفان، برجام را به معاهده ترکمنچای در قرن نوزده تشبیه کرده و آن را عامل از دست رفتن استقلال و عزت ملی دانستند که سبب نفرین نسل‌ها خواهد شد (خبرگزاری پارسینه، ۱۳۹۴/۱/۲۶). برخی از مخالفان نیز «برجام را عجزوزه زشتی دانستند که هر چه برای آرایش و زیبایی‌اش تلاش کنید معایب و زشتی‌هایش بیشتر نمایان می‌شود» (رسایی، نامه نیوز، ۱۳۹۵/۲/۱۵). در مقابل، موافقان برجام را مایه عزت و سربلندی و حفظ استقلال کشور و برطرف‌کننده سایه تهدید و زیاده‌خواهی برخی کشورها، رفع‌کننده تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی و تثبیت و شناسایی حقوق هسته‌ای ایران توصیف کردند (عراقچی، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵/۳/۲۱). برجام در خارج از ایران نیز موافقان و مخالفانی داشته است. بیشتر کشورها از انعقاد برجام استقبال کرده و آن را افتخار دیپلماسی بین‌المللی و تقویت‌کننده صلح و امنیت جهانی قلمداد کردند. برخی نیز چون رژیم اسرائیل برجام را محکوم و آن را زمینه دسترسی آتی ایران به تسلیحات هسته‌ای دانستند.

در آمریکا، کلیت جمهوری‌خواهان با برجام مخالفت کرده و آن را شکستی برای آمریکا و هم‌پیمانان آن دانستند. در مقابل، دمکرات‌ها آن را پیروزی مهم آمریکا در عرصه دیپلماسی و مهار برنامه هسته‌ای ایران عنوان کردند (New York Times, 14 July 2014).

برجام در نهایت توسط دولت‌های ایجادکننده آن تصویب و در فاصله کوتاهی اجرایی شد. همانند بسیاری دیگر از توافقات بین‌المللی، برجام برای طرف‌های خود متضمن حقوق و امتیازات از یک سو و تعهد و محدودیت‌ها از سوی دیگر است. حقوق و امتیازات ناشی از برجام برای ایران، موفقیت‌ها و دستاوردهای این توافق بین‌المللی برای کشور به شمار می‌آید. این دستاوردها در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، بین‌المللی و حقوقی و... موضوعیت یافته و تا کنون بخشی از اثرات عینی خود را بر جا گذاشته‌اند. پرسش اصلی این مقاله این است که برجام در حوزه حقوقی چه دستاوردهایی برای کشور داشته است؟ نویسنده در پاسخ، با اذعان به اینکه برجام محدودیت‌های حقوقی نیز برای ایران در پی داشته و می‌توان در نوشتار دیگری به آن‌ها پرداخت، دستاوردهای پنج‌گانه برجام را به شرح ذیل بررسی می‌کند:

۱. بسته‌شدن موضوع ابعاد نظامی احتمالی برنامه‌های هسته‌ای ایران.
۲. خروج کشور از چارچوب مقررات فصل هفت منشور سازمان ملل متحد.
۳. لغو تحریم‌های بین‌المللی.
۴. تثبیت حقوق ایران در زمینه غنی‌سازی و آب‌سنگین.
۵. الزام دولت‌های پیشرفته هسته‌ای به همکاری با ایران در زمینه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای.

بسته شدن موضوع ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران

از اواخر ۲۰۰۲، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ماهیت برنامه‌های هسته‌ای ایران را نگران‌کننده اعلام کرد (Gov./2011, 5, annex I: 2). در این سال، آژانس از طریق منابع غیررسمی و آزاد^۱، اطلاع یافت که ایران فعالیت‌های زیرزمینی گسترده‌ای را در زمینه غنی‌سازی و آب سنگین انجام می‌دهد. این واقعه سوءظن آژانس مبنی بر وجود احتمالی فعالیت‌های هسته‌ای نظامی در ایران را تقویت کرد. در فوریه ۲۰۰۴، مدیر کل آژانس طی گزارشی به شورای حکام اعلام کرد که بر اساس اطلاعات ارسالی از طرف دولت ایران، سازمان‌های نظامی آن دولت در ساخت تجهیزات غنی‌سازی هسته‌ای دخالت داشته و کارگاه‌هایی در این خصوص راه‌اندازی کرده‌اند (Gov./2004/11/ para: 37). آژانس با مرتبط کردن فعالیت‌های هسته‌ای به فعالیت‌های نظامی، دسترسی خود به مراکز نظامی را زمینه‌سازی کرد و در ۲۲ ژوئن ۲۰۰۴، تقاضای دسترسی به سایت شیان را در لویزان تهران که متعلق به صنایع دفاعی بود، مطرح کرد. ایران با این درخواست موافقت و آژانس در ۲۸ جولای وارد سایت شده و نمونه‌برداری محیطی کرد (Gov./2004/60, Para). آژانس با هدف مرتبط‌سازی بیشتر مسائل نظامی با مسائل هسته‌ای، در گامی دیگر در گزارش نوامبر ۲۰۰۴ خود راجع به اعمال پادمان در ایران اعلام کرد که ایران در سپتامبر ۲۰۰۳ در رآکتور تهران بیثموت^۲ رادیودهی کرد که می‌تواند اهداف نظامی داشته باشد (Gov./2004/83, Para: 8). آژانس در ادامه تلاش‌های خود در ۲۰۰۵، خواستار بازدید از سایت نظامی پارچین شد. در ۱۳ ژانویه ۲۰۰۵ و ۱ نوامبر ۲۰۰۵ این درخواست محقق شد و بازرسان آژانس وارد این سایت شده و نمونه‌برداری محیطی نیز به عمل آوردند. در آن مقطع زمانی، ایران از نظر حقوقی تعهدی به دسترسی دادن به سایت‌های نظامی خود نداشت و این دسترسی‌ها با موافقت داوطلبانه ایران - که پروتکل را داوطلبانه اجرا می‌کرد - انجام شد. با اینکه آژانس در گزارش خود اعلام کرد هیچ نشانه‌ای مبنی بر انجام فعالیت هسته‌ای در آن سایت پیدا نکرده (Gov./2006/15, para: 52)، اما تمایزش به بزرگ‌نمایی و تداوم‌بخشیدن به این موضوع ادامه یافت. در فوریه ۲۰۰۶، مدیر کل آژانس با قراردادن موضوع جدیدی تحت عنوان مطالعات ادعایی^۳ موسوم به پروژه نمک سبز، مربوط به تبدیل دی‌اکسید اورانیوم به Uf4 و نیز آزمایش‌های مربوط به انفجارات با قدرت بالا و طراحی موشک با قابلیت بازگشت^۴ در گزارش خود، احتمال وجود فعالیت نظامی در برنامه‌های هسته‌ای ایران را قوی‌تر و شدیدتر جلوه داد (Gov./2006/15, Para: 38).

در این مورد آژانس اعلام کرد که اطلاعات راجع به این موضوع را از منابع آزاد دریافت کرده است. ایران ادعاهای آژانس در ارتباط با پروژه نمک سبز و موشک را بی‌اساس دانست، اما به همکاری‌های

1. open source

2. Bismouth (عنصر فلزی)

3. alleged studies

4. reentry vehicle

خود با آژانس برای حل موضوع ادامه داد. در گزارش می ۲۰۰۸ آژانس، عنوان «مطالعات ادعایی» به ابعاد احتمالی نظامی^۱ تغییر یافت و داستان وجود احتمالی فعالیت‌های نظامی در برنامه‌های هسته‌ای ایران را با جدیت بیشتری دنبال کرد (Gov./2008/15, para: 14). این عنوان جدید، موارد دیگری از اقداماتی که توسط ایران در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای نظامی انجام شده بود را مطرح کرد. در این خصوص، گزارش اخیرالذکر آژانس اعلام داشت: «لازم است ایران مسائل مربوط به مطالعات ادعایی را حل کرده، اطلاعات بیشتری راجع به تحصیل مدرک فلز اورانیوم ارائه کرده، خریدها و فعالیت‌های نهادها و شرکت‌های نظامی مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای را روشن نماید و تولید تجهیزات و خدمات به وسیله شرکت‌های متعلق به صنایع دفاعی را توضیح دهد.» این سرفصل جدید تا زمان انعقاد برجام در ۲۳ تیر ۱۳۹۴، در گزارش‌های مدیر کل آژانس به عنوان یکی از موضوعات حل نشده باقی ماند.

در خصوص اینکه آیا آژانس بین‌المللی اتمی به لحاظ حقوقی صلاحیت ورود به مسائل نظامی کشورها را دارد یا خیر، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. برخی از حقوق‌دانان برای آژانس چنین صلاحیتی را قابل و برخی دیگر آن را رد کرده‌اند (Konigs and Szabooba, 2014: 46)؛ اما قطع نظر از این بحث‌ها، آنچه در واقعیت وجود داشت این بود که آژانس تا زمان انعقاد برجام، به عنوان کردن این موضوع به عنوان ابهام در فعالیت‌های هسته‌ای ایران ادامه داد و روشن شدن ماهیت صلح‌آمیز فعالیت‌های هسته‌ای آن را تا حدود زیادی به حل شدن این موضوع منوط کرد. در مذاکرات برجام، حل این موضوع با عنوان جدید «رفع ابهام از مسائل حال و گذشته»^۲ در دستور کار قرار گرفت و در نهایت، مقرراتی به شرح ذیل راجع به آن تصویب شد: «ایران نقشه راه برای رفع ابهام از مسائل مورد اختلاف حال و گذشته مورد توافق با آژانس شامل ترتیباتی برای پرداخت مسائل مورد نگرانی حال و گذشته مربوط به برنامه هسته‌ای ایران مندرج در ضمیمه گزارش ۸ نوامبر ۲۰۱۱ آژانس (Gov./2011/65) را کاملاً اجرا خواهد کرد. اجرای کامل فعالیت‌هایی که ایران بر اساس این نقشه راه بر عهده می‌گیرد تا ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵ تکمیل خواهد شد و متعاقباً مدیر کل تا ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ ارزیابی نهایی خود پیرامون حل و فصل تمامی مسائل اختلافی باقی‌مانده گذشته و حال را به شورای حکام ارائه خواهد کرد و کشورهای عضو گروه ۵+۱ به عنوان اعضای شورای حکام، قطعنامه‌ای را برای اتخاذ اقدامات لازم با هدف بسته‌شدن این موضوع بدون خدشه‌دار ساختن صلاحیت شورای حکام ارائه خواهند کرد» (JCPOA, 2015: 14).

با انعقاد برجام، زمینه حقوقی و عملی برای حل مسئله احتمال ارتباط برنامه‌های هسته‌ای ایران با فعالیت‌های نظامی رفع و این مسئله از موضوع هسته‌ای ایران و دستور کار شورای حکام آژانس و شورای امنیت خارج شد. برای حل این مسئله، در ۱۴ جولای ۲۰۱۵، مدیر کل آژانس و رئیس سازمان انرژی اتمی

1. possible military dimensions
2. past and present outstanding issues

ایران نقشه راهی را امضا کردند (Gov./INF/2015/14) که بر اساس آن، ایران و آژانس توافق کردند تلاش‌ها و همکاری‌های خود را به منظور حل مسئله تا پایان سال ۲۰۱۵ تسریع و تحکیم بخشند. در این زمینه، ایران توضیحات مکتوب به همراه مدارک مربوط را به آژانس ارائه کرد و آژانس سؤالات و ابهامات خود راجع به توضیحات و مدارک ارائه‌شده را به ایران تسلیم کرد. پس از آن طرفین نشست‌های فنی متعددی را برای رفع سؤالات و ابهامات برگزار کردند. پس از بررسی‌های لازم، مدیر کل آژانس ارزیابی‌های خود راجع به این مسئله را این‌گونه عنوان کرد: «طیفی از فعالیت‌های مربوط به توسعه ادوات انفجاری هسته‌ای در ایران قبل از پایان ۲۰۰۳ و برخی فعالیت‌ها بعد از ۲۰۰۳ انجام یافته است. ارزیابی آژانس این است که این فعالیت‌ها از مطالعات امکان‌سنجی و علمی و تحصیل برخی توانایی‌ها و صلاحیت‌های علمی مربوطه فراتر نرفته است. آژانس هیچ نشانه و دلیل معتبری از انجام فعالیت به وسیله ایران در ارتباط با توسعه ادوات انفجاری هسته‌ای بعد از ۲۰۰۹ نیافته است. آژانس هیچ دلیل معتبری مبنی بر انحراف ماده هسته‌ای به ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران پیدا نکرده است (Gov./2015/68, Para=85-88).

هرچند مدیر کل آژانس در این گزارش وقوع برخی تخلفات پادمانی از سوی ایران قبل از سال ۲۰۰۹ را یادآور می‌شود، اما در نهایت نتیجه می‌گیرد که بعد از این سال، هیچ دلیلی در اختیار ندارد که انجام فعالیت هسته‌ای نظامی یا انحراف مواد هسته‌ای به فعالیت‌های نظامی توسط ایران را تأیید کند. این نتیجه‌گیری آژانس دستاورد حقوقی بزرگی برای ایران در دوره پسابرجام بود، زیرا توانست اتهام ارتباط و انحراف فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران با فعالیت‌های نظامی را برطرف کرده و جایگاه حقوقی بین‌المللی ایران را از وضعیت کشور متهم به دست داشتن در فعالیت‌های نظامی هسته‌ای مخفیانه به کشور با برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز شفاف و بی‌ارتباط با موضوعات نظامی هسته‌ای، متحول کند. در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵، شورای حکام آژانس با تصویب قطعنامه‌ای - که پیش‌نویس آن به وسیله دولت‌های ۵+۱ عضو شورای حکام ارائه شد - نتیجه‌گیری فوق‌الذکر مدیر کل آژانس را تأیید کرده و بدین نحو موضوع ابعاد نظامی احتمالی در فعالیت‌های هسته‌ای ایران را خاتمه‌یافته اعلام کرد (Gov./2015/72: 8-9). هرچند برخی از مخالفان برجام، سعی کردند موضوع ابعاد نظامی احتمالی را حل‌نشده جلوه دهند (Albright, 2015: 17)، اما صراحت عبارات گزارش مدیر کل آژانس و سپس قطعنامه ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ شورای حکام، مؤید بسته‌شدن موضوع ابعاد نظامی احتمالی در برنامه‌های هسته‌ای ایران است. در گزارش‌های بعدی مدیر کل آژانس راجع به فعالیت‌های هسته‌ای ایران، دیگر نشانی از عبارت «ابعاد احتمالی نظامی» مشاهده نمی‌شود. اگر این موضوع بسته نمی‌شد، آژانس علی‌الاصول می‌بایست در گزارش‌های بعدی خود به آن باز می‌گشت و آخرین تحولات آن را گزارش می‌کرد. بعد از قطعنامه ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ شورای حکام، مدیر کل آژانس تا کنون پنج گزارش به ترتیب در تاریخ‌های ۱۶ ژانویه، ۲۶ فوریه، ۲۷ می، ۹ سپتامبر و ۹ نوامبر راجع به فعالیت‌های هسته‌ای ایران و اجرای پادمان‌ها در آن تهیه و ارائه کرده که در هیچ کدام از آن‌ها اشاره‌ای به موضوع ابعاد احتمالی نظامی نشده است.

خروج کشور از چارچوب مقررات فصل هفت منشور سازمان ملل متحد

فصل هفتم یکی از فصول نوزده‌گانه منشور سازمان ملل متحد است که شامل سیزده ماده از منشور (۵۱-۳۹) می‌شود. «اقداماتی که در موارد تهدید علیه صلح یا برهم‌زدن صلح و اقدام به تجاوز به عمل خواهد آمد»، عنوان این فصل را تشکیل می‌دهد. بر اساس این فصل، همان‌گونه که از عنوان آن پیداست، هرگاه شورای امنیت سازمان ملل تشخیص دهد اقدام یا اقدامات یک یا چند دولت، صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته یا آن را نقض کرده یا اینکه دولتی علیه دولت دیگر متوسل به تجاوز شده، می‌تواند برای حفظ یا استقرار صلح و امنیت بین‌المللی توصیه‌هایی را به دولت یا دولت‌های مربوطه کرده یا اقداماتی را بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ منشور علیه آن‌ها به عمل آورد (بیگ‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۶۷). بر اساس ماده ۴۱، شورای امنیت می‌تواند علیه دولت یا دولت‌های تهدید یا نقض‌کننده صلح و امنیت بین‌المللی یا مرتکب عمل تجاوز علیه دولت دیگر، به اقداماتی به غیر از توسل به زور مبادرت نماید. برای این منظور، شورا می‌تواند از دولت‌های عضو سازمان ملل بخواهد روابط سیاسی، اقتصادی و سایر روابط خود را با دولت‌های متخلف قطع نمایند. هرگاه شورا تشخیص دهد اقدامات بر اساس ماده ۴۱ نامتناسب یا ناکارآمد است می‌تواند به وسیله قوای هوایی، دریایی و یا زمینی، عملیاتی را که برای نگاهداری یا برقراری صلح و امنیت بین‌المللی لازم بداند، انجام دهد. این عملیات ممکن است شامل اقدامات نظامی یا اقدامات محاصره‌ای و یا عملیات دیگری که به وسیله قوای هوایی، دریایی یا زمینی اعضای ملل متحد انجام می‌گیرد، باشد (Serna Galvan, 2011: 153). اقدامات شورای امنیت بر اساس ماده ۴۲ منشور، اقداماتی است که متضمن استفاده از زور است و شورا بر اساس این ماده و در مواردی که اقدامات بر اساس ماده ۴۱ مؤثر واقع نمی‌شوند، مجوز توسل به زور علیه دولت تهدیدکننده یا ناقض صلح یا مرتکب عمل تجاوز علیه دولت دیگر را صادر می‌نماید. بر اساس ماده ۲۵ منشور ملل متحد، دولت‌های عضو سازمان ملل ملزم به انجام اقدامات و تصمیمات شورا بر اساس فصل هفت است (SCHOT, 2008: 37).

در فوریه ۲۰۰۶، با ارجاع موضوع هسته‌ای ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل (Gov./ 2006/14: 2). مقدمات ورود ایران به چارچوب مقررات فصل هفتم منشور سازمان ملل فراهم شد. با تصویب قطعنامه ۱۶۹۶ مصوب ۳۱ جولای ۲۰۰۶، شورای امنیت، ایران به طور رسمی و قطعی ذیل فصل هفت منشور ملل متحد قرار گرفت. قطعنامه مذکور، برنامه هسته‌ای ایران را خطری برای اشاعه تسلیحات هسته‌ای دانسته و بر اساس ماده ۴۰ منشور (یکی از مواد فصل هفت منشور) از ایران خواست بدون هیچ‌گونه تأخیری خواسته‌های آژانس بر اساس قطعنامه فوریه ۲۰۰۶ آن را که لازمه اعتمادسازی است، عملی نماید (UNSC/Res/ 2006: 1). شورا در قطعنامه بعدی خود در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۶، فصل هفت منشور ملل متحد را صریحاً به عنوان مبنای اقدامات خود علیه ایران مورد استناد قرار

۱. ماده ۲۵: اعضای سازمان موافقت می‌نمایند تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور اجرا نمایند.

داد (UNSC/Res 1737, 2006) و بر اساس ماده ۴۱ تحریم‌هایی را علیه آن مقرر کرد. برخورد با ایران ذیل ماده ۴۱ فصل هفت منشور در قطعنامه ۲۴ مارس ۲۰۰۷ شورای امنیت تکرار و (UNSC/Res 1747, 2007) تحریم‌های جدید علیه آن برقرار شد. شورای امنیت در قطعنامه ۹ ژوئن ۲۰۱۰ خود مجدداً با استناد به ماده ۴۱ فصل هفت منشور، تحریم‌های جدید و شدیدتری را علیه ایران تحمیل کرد؛ اما نکته حساس و متفاوت قطعنامه اخیر شورا با قطعنامه‌های قبلی این بود که شورا در این قطعنامه، با اینکه ماده ۴۱ منشور را مستند تصمیمات خود قرار داد، اما محتوی قطعنامه ۹ ژوئن ۲۰۱۰ نشانه‌هایی از حرکت آرام شورای امنیت به سمت اقدام بر اساس ماده ۴۲ منشور نیز می‌نماید. به بیان دیگر، در قطعنامه ژوئن ۲۰۱۰، مقرراتی گنجانده شده که جنس آن‌ها از نوع مقررات ماده ۴۲ منشور یا اقدامات متضمن توسل به زور است.

این قطعنامه از تمامی دولت‌های عضو سازمان ملل می‌خواهد کشتی‌ها و هواپیماهایی که مشکوک به حمل اقلام ممنوع شده به مقصد ایران هستند را متوقف و بازرسی نمایند. همین‌طور، تمامی دولت‌ها را محق و مکلف به ضبط و توقیف تمامی اقلامی که خرید و فروش و عرضه آن‌ها به ایران منع شده است، می‌نماید (UNSCRes/ 1929, 2010: 14-18). این موارد، اقداماتی هستند که اجرای آن‌ها مستلزم به‌کارگیری قوه قهریه یا زور است که موضوع ماده ۴۲ منشور و نه ۴۱ آن است.

دومین نکته مهم و متفاوت در قطعنامه ژوئن ۲۰۱۰، فراهم‌سازی بسترهای حقوقی توسل به زور علیه ایران است. این قطعنامه با به کار بردن جمله «دولت‌ها تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از انتقال فناوری یا کمک‌های فنی به ایران در ارتباط با فعالیت‌های موشک‌های بالستیک، به کار خواهند گرفت»، سعی کرده توجیه حقوقی توسل به زور علیه ایران را فراهم آورد (UNSCRes/ 1929, 2010: 9). شورای امنیت در قطعنامه‌های قبلی خود (به عنوان مثال قطعنامه ۶۷۸ علیه عراق به سال ۱۹۹۰ و قطعنامه ۱۹۷۳ علیه لیبی در سال ۲۰۱۱) با به کار بردن عبارت «تمامی اقدامات لازم» دستاویز حقوقی برای توجیه حمله به این کشورها را فراهم آورده بود. شورا در قطعنامه ژوئن ۲۰۱۰ خود راجع به ایران به جای به کار بردن عبارات «هیچ چیز در این قطعنامه نباید همچون مجوزی برای اقدام نظامی علیه ایران تلقی شود»، به عبارت «این قطعنامه هیچ کشوری را وادار به توسل به زور علیه ایران نمی‌کند (UNSCRes, 1929, 2010, Preamble; 22) بسنده کرد که این نیز اماره‌ای بر قصد تدوین‌کنندگان قطعنامه به مقدمه‌سازی حقوقی برای اقدام نظامی علیه ایران است. به‌کارگیری عبارات فوق در قطعنامه با این قصد بوده که دست برخی از دولت‌ها برای توسل به زور علیه ایران باز باشد (نصری، ۱۳۹۴: ۱).

برخی از نویسندگان، به رغم صراحت مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران، منکر ذیل فصل هفت قرارگرفتن ایران در موضوع هسته‌ای شده‌اند. استدلال این نویسندگان این است که «شورای امنیت در قطعنامه‌های خود بر اساس ماده ۴۱ فصل هفت منشور ملل متحد عمل کرده نه فصل هفت. اگر قطعنامه‌های

صادر شده علیه ایران ذیل فصل هفتم قرار می‌گرفت، به طور اتوماتیک همه ماده‌های این فصل از جمله ماده ۴۲ که مجوز قوه قهریه علیه کشورها توسط سازمان ملل است نیز در مورد ایران قابل اجرا بود؛ چراکه فصل هفت منشور شامل مواد ۳۹ تا ۵۱ است. بنابراین، قطعنامه‌های صادر شده علیه ایران هیچ کدام ذیل فصل هفتم منشور نبوده و تنها ذیل یکی از مواد این فصل یعنی ماده ۴۱ صادر شده است» (رجا نیوز، ۶ مرداد ۱۳۹۴).

بدیهی است این تحلیل و تفسیر از مفاد قطعنامه‌های مذکور و مقررات فصل هفت منشور ملل متحد صحیح به نظر نمی‌رسد. متن قطعنامه‌ها صراحتاً به فصل هفت منشور اشاره دارند و این استدلال که اگر فقط به یکی از مواد فصل هفت (ماده ۴۱) استناد شده و به سایر مواد آن فصل مورد استناد واقع نشود، قطعنامه فصل هفتی محسوب نمی‌شود منطقی و صحیح نیست. در رویه شورای امنیت، قطعنامه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که شورا در هنگام اقدام بر اساس فصل هفت به تمامی مواد آن فصل استناد نماید. اشتباه دیگر این نویسندگان این است که قطعنامه در صورتی فصل هفتی تلقی می‌شود که در آن شورا با استناد به ماده ۴۲ (مجوز توسل به زور) اقدام نماید. هر چند که استناد به این ماده در قطعنامه‌ای بیانگر فصل هفتی بودن آن قطعنامه است، اما اقدام شورا بر اساس فصل هفت صرفاً استناد به این ماده (ماده ۴۲) و تجویز توسل به زور علیه دولت‌ها، نیست. شورا در چارچوب فصل هفت می‌تواند به استناد ماده ۴۱ اقدامات تحریمی علیه دولت‌ها را مقرر نماید که در موضوع هسته‌ای ایران از این روش اخیر استفاده کرده است.

به هر حال با انعقاد برجام در ۲۳ تیر ۱۳۹۴، شرایط حقوقی برای خروج ایران از چارچوب مقررات فصل هفت منشور سازمان ملل فراهم گردید که این یک دستاورد حقوقی بزرگ برای کشور به شمار می‌آید. خروج ایران از ذیل فصل هفت منشور یعنی اینکه برنامه‌های هسته‌ای ایران دیگر تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب نمی‌شود و قدرت‌های بزرگ دیگر نمی‌تواند با تهدید تلقی کردن ایران در مورد ایران اعلام کنند که همه گزینه‌های را روی میز است. برجام با الزام دولت‌های ۵+۱ به تصویب قطعنامه جدید در شورای امنیت و لغو قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران زمینه خروج کشور از فصل هفت منشور را فراهم آورد. قطعنامه مورد نظر در تاریخ ۲۰ ژوئیه (۶ روز پس از برجام) توسط شورای امنیت تصویب و در آن لغو تمامی قطعنامه‌های فصل هفتی علیه ایران پیش‌بینی گردید (UNSCRes/2132, 2015: 7).

با اجرایی شدن برجام در ۲۶ دی ۱۳۹۴، قطعنامه‌های ۱۶۹۹ (۲۰۰۶)؛ ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)؛ ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)؛ ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)؛ ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۲۲۴ (۲۰۱۵) لغو گردید و ایران از ذیل فصل هفت منشور خارج گردید. اهمیت این خروج آنگاه بیشتر هویدا می‌شود که اذعان نمایم خروج دولت‌ها از فصل هفت منشور فرآیند حقوقی پیچیده و زمان‌بری است. به عنوان مثال، عراق در پی حمله به کویت در سال ۱۹۹۰، ذیل فصل هفت منشور قرار گرفت و به رغم سقوط رژیم صدام در ۲۰۰۳ و لغو تحریم‌ها علیه آن، این دولت در نهایت در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۳ از ذیل این فصل خارج شد (UNSCRes/2107, 2013). قطعنامه ۲۰ جولای ۲۰۱۵ شورای امنیت (۲۲۳۱) نیز ذیل فصل هفت منشور تصویب نشد که این قطعاً با پیشنهاد و اصرار

مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی بوده است. هرچند این قطعنامه، قطعنامه‌های فصل هفتمی قبلی علیه ایران را لغو می‌کرد، اما در صورت تصویب آن ذیل فصل هفتم، کشور همچنان تحت فصل هفتم باقی می‌ماند.

لغو تحریم‌های بین‌المللی

بر اساس نظام منشور ملل متحد، چنانچه دولتی به تشخیص شورای امنیت، صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره انداخته یا نقض نماید یا مرتکب عمل تجاوز علیه دولتی دیگر شود، شورا می‌تواند به استناد ماده ۴۱ منشور ملل متحد از اعضای سازمان بخواهد روابط اقتصادی، سیاسی، فنی، تجاری و... را قطع کرده یا تحریم^۱ نمایند. از منظر حقوق بین‌الملل، برچسب تحریم‌های سازمان ملل علیه یک دولت، به این مفهوم است که آن دولت در عرصه بین‌المللی در موقعیت تهدید یا نقض‌کننده صلح و یا مرتکب‌شونده تجاوز است. زدن چنین برچسبی به هر دولت، پرستیژ و اعتبار بین‌المللی آن را تا حد زیادی مخدوش می‌کند. شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه‌ای به تاریخ ۳۱ جولای ۲۰۰۶، تحریم‌های سازمان مللی علیه ایران را کلید زد (UNSCRes/ 1696, 2006: 5). این تحریم‌ها، در قطعنامه‌های بعدی شورا علیه ایران توسعه یافته و تشدید شد. دولت‌های عضو سازمان ملل ملزم به رعایت و اجرای این تحریم‌ها بودند و گزارش‌های کمیته تحریم شورای امنیت نیز دلالت بر لزوم اجرای آن‌ها توسط دول عضو سازمان ملل می‌کرد (US State Dept, US Participation in UN, 2007: 8). در کنار تحریم‌های سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا نیز تحریم‌های جداگانه‌ای را در ارتباط با برنامه هسته‌ای علیه ایران اعمال کردند. در برجام، توافق شد که این سه نوع تحریم مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای ایران، پس از لازم‌الاجرا شدن برجام برداشته شود. قبل از اینکه چگونگی لغو این تحریم‌ها توضیح داده شود، مناسب و مفید است تحریم‌های تحمیلی سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، به اختصار مرور شوند.

۱. تحریم‌های تحمیلی علیه ایران در ارتباط با برنامه‌های هسته‌ای آن

۱-۱. تحریم‌های شورای امنیت

تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران با تصویب قطعنامه ۳۱ جولای ۲۰۰۶ شورای امنیت آغاز شد. این قطعنامه که بر اساس فصل هفتم و ماده ۴۰ منشور تصویب شد، صرفاً انتقال اقلام، مواد، کالاها و فناوری‌هایی که می‌توانست به فعالیت‌های غنی‌سازی و بازآوری و برنامه‌های موشک‌های بالستیک ایران کمک نماید را تحریم و از دولت‌های عضو ملل متحد خواست بر اساس اختیارات قانونی ملی خود از انتقال اقدام مذکور به ایران جلوگیری کند (UNSCRes/1696, 2006: 5). در قطعنامه ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶، تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران تشدید شده و کمیته‌ای نیز برای نظارت بر اجرای تحریم‌های شورا علیه ایران تأسیس شد.

1. Sanctions

شورا در این قطعنامه از تمامی اعضای سازمان ملل خواست مانع کمک به فعالیت‌های هسته‌ای حساس (غنی‌سازی و بازآوری) یا کمک به توسعه سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای ایران شوند؛ ورود یا عبور اشخاص ایرانی - که اسامی آن‌ها ضمیمه قطعنامه است- به قلمروشان را به کمیته ایجادشده بر اساس این قطعنامه اطلاع دهند. همچنین، از دولت‌ها خواست اموال و دارایی‌های اشخاص ذکرشده در ضمیمه قطعنامه را که به فعالیت‌های هسته‌ای حساس یا توسعه سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای ایران کمک کرده‌اند، بلوکه کرده و مانع آموزش و تحصیل اتباع ایرانی در دانشگاه‌های خود در رشته‌هایی که می‌تواند به فعالیت‌های هسته‌ای حساس و توسعه سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای ایران کمک نماید، بشوند. در نهایت، شورا، از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز خواست همکاری‌های فنی خود با ایران را به پروژه‌های غذایی، کشاورزی، پزشکی و ایمنی محدود و از اعطای کمک‌های فنی به فعالیت‌های هسته‌ای حساس امتناع کند (UNSCRes/ 1737, 2006, Pares 10, 11, 16, 17, 19).

سومین قطعنامه شورای امنیت، مصوب ۲۴ مارس ۲۰۰۷ ممنوعیت صادرات و واردات اقلام نظامی دفاعی متعارف و منع اعطای وام‌های بین‌المللی به ایران را به فهرست تحریم‌های قبلی سازمان ملل اضافه کرد. بر اساس قطعنامه اخیرالذکر، شورا ایران را از صدور، فروش، یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هر نوع تسلیحات یا مواد مربوط منع و خرید چنین اقلامی را از ایران یا شهروندان آن توسط سایر دولت‌ها را ممنوع کرد. از تمامی دولت‌ها خواست که عرضه، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هر گونه تانک جنگی، ماشین‌آلات جنگی زرهی، سیستم‌های توپخانه‌ای با کالیبر بزرگ، هوایم‌های جنگی، بالگردهای جنگی، موشک یا سیستم‌های موشکی را ممنوع کنند. همچنین، از تمامی دولت‌ها و مؤسسات مالی بین‌المللی خواست از اعطای امتیازات و کمک‌های مالی و وام به دولت ایران، به جز برای مقاصد انسان‌دوستانه و توسعه‌ای امتناع نمایند (UNSCRes/1747, 2007, Pares: 5-7). با تصویب قطعنامه ۳ مارس ۲۰۰۸، شورا موارد جدیدی را به تحریم‌های قبلی خود علیه ایران اضافه کرد. به موجب قطعنامه اخیر، تمامی دولت‌ها ملزم شدند با اتخاذ تدابیر لازم از عرضه، فروش و انتقال مستقیم یا غیرمستقیم تمامی اقلام فهرست‌شده در سند (Infirc/254.7/Part 2) کالاها و اقلام با مصرف دوگانه در زمینه‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای (جلوگیری و از اعطای تأمین‌های مالی برای حمایت از تجارت با ایران، از جمله اعطای اعتبارات صادراتی تضمین، بیمه، بیمه اتکایی به منظور پیش‌گیری از کمک به فعالیت‌های حساس هسته‌ای و توسعه سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای، امتناع کنند. همچنین، قطعنامه از تمامی دولت‌ها خواست ارتباطات مؤسسات مالی خود با تمامی بانک‌ها در ایران، به ویژه بانک‌های ملی و صادرات و شعب آن‌ها در خارج را تحت نظر قرار گرفته تا مانع از آن شوند که این ارتباطات منجر به کمک به فعالیت‌های هسته‌ای حساس و توسعه سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای ایران شود و نهایتاً، قطعنامه از تمامی دولت‌ها خواست بر اساس صلاحیت‌های قانونی ملی خود و مطابق با حقوق بین‌الملل، محموله‌های

کشتی‌ها و هواپیماهای متعلق به خطوط حمل و نقل ایران را به منظور حصول اطمینان از اینکه حامل کالاهای ممنوع شده نیست، بازرسی نمایند (UNSCR/1803, 2008, P; 5-11). از ۳ مارس ۲۰۰۸ تا ۹ ژوئن ۲۰۱۰، شورا اقدام تحریمی جدیدی به عمل نیاورد؛ اما در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ قطعنامه شدید دیگری بر ضد ایران تصویب و موارد تحریمی جدیدی را به تحریم‌های قبلی افزود. شورا در این قطعنامه، ایران را از دریافت بهره‌های فعالیت‌های بازرگانی در کشورهای دیگر که به معدنکاری اورانیوم، تولید یا استفاده مواد و فناوری هسته‌ای ذکر شده در سند INF/CIRC/254/Rev9/Part. 1، به ویژه مربوط به فعالیت‌های غنی‌سازی و بازرآوری، فعالیت‌های مربوط به آب سنگین یا فناوری مربوط به موشک‌های بالستیک که قادر به پرتاب تسلیحات هسته‌ای می‌باشند، محروم کرده و از تمامی دولت‌ها خواست از سرمایه‌گذاری ایران، اتباع و شرکت‌ها و مؤسسات آن در سرزمین خود که مربوط به فعالیت‌های مذکور می‌شوند، ممانعت کنند. همچنین، قطعنامه اخیر ایران را از انجام هر نوع فعالیت مربوط به موشک‌های بالستیک که توان پرتاب سلاح هسته‌ای را دارند، منع کرده و تمامی دولت‌ها را ملزم کرد تمام اقدامات لازم را به کار گیرند تا از انتقال فناوری یا کمک فنی به این فعالیت‌های ایران جلوگیری نمایند. نهایتاً، قطعنامه از تمامی دولت‌ها خواست که اعطای خدمات سوخت‌رسانی به کشتی‌های تحت مالکیت یا اختیار ایران را ممنوع کنند (UNSCR/1929, 2010, Pares, 7,9,18).

۲-۱. تحریم‌های اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا از ۲۸ دولت واقع در قاره اروپا تشکیل شده و جمعیتی بالغ بر ۵۱۰ میلیون نفر را شامل می‌شود. این اتحادیه دارای هفت نهاد تصمیم‌گیر اصلی (شورای اروپا، شورای اتحادیه اروپا، پارلمان اروپا، کمیسیون اروپا، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و دیوان محاسبات اروپا) است. تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای آن، در پی صدور قطعنامه ۱۹۲۹ (ژوئن ۲۰۱۰) شورای امنیت کلید خورد. در ۲۶ جولای ۲۰۱۰، شورای اتحادیه اروپا (به عنوان یکی از دو رکن قانون‌گذاری اتحادیه اروپا، رکن دوم پارلمان اروپاست) طی مصوبه‌ای به شماره CFSP/2010/413 تحریم‌هایی را در زمینه‌های ذیل علیه ایران مقرر کرد.

الف. بخش مالی و بانکی

- ممنوعیت هرگونه رابطه بانکی با نهادهای مالی ایران.
- ممنوعیت تأسیس شعب جدید توسط بانک‌های ایران در کشورهای عضو اتحادیه.
- ممنوعیت ارائه خدمات بیمه‌ای به نهادهای دولتی ایران.

- انتقال وجه به میزان بیش از ۱۰۰۰۰ یورو به ایران باید به اطلاع مقامات دولتی برسد و در صورتی که این میزان از ۴۰۰۰۰ یورو تجاوز کند، انتقال آن منوط به کسب اجازه قبلی خواهد بود.

ب. بخش نفت و گاز

- ممنوعیت فروش هر گونه تجهیزات و فناوری مورد استفاده در پالایش، اکتشاف و تولید نفت و گاز طبیعی مایع.
- ممنوعیت کلیه خدمات تجاری، به ویژه تخمین اعتبار صادرات.
- ممنوعیت خدمات بیمه‌ای برای مدت دو سال و بیشتر.
- ترغیب کشورهای عضو به احتیاط و ترجیحاً خودداری از انعقاد قرارداد خدمات بیمه برای مدت کمتر از ۲ سال.
- ممنوعیت هر گونه سرمایه‌گذاری جدید.

ج. بخش حمل و نقل

- بازرسی کشتی‌های مظنون به حمل اقلام ممنوعه در بنادر کشورهای عضو اتحادیه و نیز انجام چنین بازرسی‌هایی با اجازه دولتی که پرچم آن در دریاهای آزاد بر روی کشتی نصب شده است.
- بستن فرودگاه‌ها بر روی پروازهای باری ایران (ایزدی، ۱۳۸۹: ۹).

قبل از ۲۰۱۰، به دلیل منافع اقتصادی و تجاری گسترده‌ای که برخی از اعضای اتحادیه اروپا، به ویژه ایتالیا، اسپانیا و آلمان در معامله با ایران داشتند، اعمال تحریم از سوی اتحادیه اروپا علیه ایران با موانع جدی روبه‌رو بود؛ اما تغییر برداشت اتحادیه اروپا از تهدید ایران و نزدیکی خط‌مشی آن به سیاست‌های آمریکا، این اتحادیه را بر آن داشت که در جولای ۲۰۱۰، منافع جداگانه دولت‌ها را کنار گذاشته و در مورد اعمال تحریم علیه ایران به رویکرد واحدی برسد. بیشتر موارد تحریم در مصوبه ۲۰۱۰ شورای اتحادیه اروپا، همان تحریم‌هایی بودند که در قطعنامه‌های شورای امنیت مقرر شده بود؛ اما موارد جدیدی وجود داشت که در قطعنامه‌های فوق‌الذکر مقرر نشده بودند که از جمله آن‌ها می‌توان به فهرست جدیدی از افراد و شرکت‌ها که اموال و دارایی آن‌ها می‌بایست مسدود می‌شد، اشاره کرد (ایزدی، ۱۳۸۹: ۸).

در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲، شورای اتحادیه اروپا طی مصوبه CFSP/2012/32 که مصوبه ۲۰۱۰ آن را اصلاح می‌کرد، تحریم‌ها علیه ایران را تشدید کرد. ممنوعیت واردات، خرید، حمل و نقل نفت خام و فرآورده‌های نفتی ایران، ممنوعیت واردات، خرید یا حمل و نقل محصولات پتروشیمی ایران، ممنوعیت خرید یا فروش مستقیم یا غیرمستقیم طلا، فلزات گران‌بها و الماس به ایران و نهادهای عمومی، شرکت‌ها و بانک مرکزی آن، از جمله تحریم‌های جدید این اتحادیه بود (Concil Decision 2012/CFSP of 23 Jan. 2013). اعضای

اتحادیه اروپا، غیر از تحریم‌های اتحادیه، تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران را نیز اجرا کردند.

۱-۳. تحریم‌های ایالات متحده آمریکا

تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران دلایل و گونه‌های مختلفی دارد. برخی از تحریم‌ها به وسیله کنگره و به صورت قانون تصویب و برخی دیگر توسط قوه مجریه من جمله از طریق فرمان‌های رئیس جمهور، صادر و اجرایی شده‌اند. آمریکا دو نوع تحریم (اولیه و ثانویه) را در مورد ایران اعمال کرده است. تحریم‌های اولیه، تحریم‌هایی است که صرفاً روابط اقتصادی، تجاری و ... در دولت مورد تحریم را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما تحریم‌های ثانویه تحریم‌هایی هستند که در آن دامنه تحریم به دولت‌های ثالث و اتباع و شرکت‌های آن‌ها نیز تسری می‌یابد.

در تحریم ثانویه، تحریم‌کننده محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی بر نهادهای عمومی و خصوصی دولت ثالثی که با دولت مورد تحریم مراد برقرار می‌کنند، وضع می‌کند (Morrison-Forester, 2016: 1). قانون ۱۹۱۶ آمریکا (قانون داماتو) از جمله قوانین آمریکا بود که تحریم‌های ثانویه را در مورد ایران مقرر کرد. بر اساس این قانون، شرکت‌هایی که در ایران در یک سال بیش از بیست میلیون دلار در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری کنند، از تجارت با دولت آمریکا محروم خواهند شد (Katzman, 2007: 2).

نخستین تحریم آمریکا علیه ایران، در نوامبر ۱۹۷۹ و در پی اشغال سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره) اعمال شد. در این تاریخ، رئیس جمهور وقت آمریکا با صدور فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰، ۱۲ میلیارد از دارایی‌های ایران در آمریکا، از جمله سپرده‌های بانکی، طلا و اموال دیگر را مسدود کرد. به دنبال هجوم عراق به ایران، تحریم‌های آمریکا علیه ایران افزایش یافت. در سال ۱۹۸۴ آمریکا فروش تسلیحات و اعطای هر نوع کمک به ایران را ممنوع کرد. در مارس ۱۹۹۵، رئیس جمهوری وقت آمریکا، کلینتون، با صدور فرمان شماره ۱۲۹۵۷، تجارت آمریکا با ایران در زمینه صنایع نفتی و در می همان سال با صدور فرمان شماره ۱۲۹۵۹، هر گونه تجارت آمریکا با ایران را ممنوع اعلام کرد. همچنین، کنگره آمریکا قانون تحریم‌های ایران-لیبی را تصویب و بر اساس آن، برای تمامی شرکت‌های خارجی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنایع نفتی ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند، محدودیت‌ها و مجازات‌هایی در آمریکا تعیین کرد (غمامی، ۱۳۹۲: ۵). تحریم‌های آمریکا علیه ایران به سبب برنامه‌های هسته‌ای آن، پس از ۲۰۰۵ اعمال شد. در ژوئن ۲۰۰۵ جرج دبلیو بوش، با صدور فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ دارایی‌های اشخاص مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را بلوکه کرد. در ژوئن ۲۰۰۷ ایالت فلوریدای آمریکا طی مصوبه‌ای شرکت‌هایی که با ایران تجارت می‌کنند را تحت تحریم قرار داد. در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۰، مجالس سنا و نمایندگان آمریکا قانون تحریم‌ها، پاسخ‌گویی و منع سرمایه‌گذاری جامع ایران را تصویب کرد. بر اساس این قانون،

محدودیت‌ها علیه ایران افزایش یافت. منع ورود هر نوع کالا با منشأ ایرانی از هر کشوری به آمریکا از جمله این محدودیت‌ها به شمار می‌آیند. (Rennak, 2016: 7) آمریکا، هم‌زمان با اعمال تحریم‌های یک‌جانبه خود، تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران را نیز با تصویب سازوکارهای ملی به اجرا گذاشت.

۲. برجام و لغو تحریم‌ها مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران

از همان ابتدای مذاکرات، لغو تحریم‌های بین‌المللی گوناگون علیه ایران، یکی از خواسته‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران در توافق جامع بود. در توافق موقت ژنو در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ (برنامه اقدام مشترک) ۵+۱ و اتحادیه اروپا متعهد شدند تا زمان حصول توافق جامع هسته‌ای (برجام) تحریم جدیدی علیه ایران وضع نشده و تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در زمینه صادرات پتروشیمی، طلا و فلزات گران‌بها و اتومبیل به حالت تعلیق درآید. در جریان مذاکرات، یکی از بحث‌های جدی میان طرفین که بسیار هم‌زمان بر شد، زمان و چگونگی لغو تحریم بود. ایران اصرار داشت تحریم به تدریج و هم‌زمان با اجرای تعهدات از سوی ایران برداشته شود که طرف مقابل مقاومت کرد و نهایتاً در برجام توافق شد که بخشی از تحریم‌ها پس از انجام تعهدات ایران و راستی‌آزمایی آن‌ها به وسیله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سپس به اجرا درآیند. برجام (JCPOA, 2015, Annex 5, Pares 15-17) و بخشی دیگر از زمان روز انتقال یا ۸ سال از تاریخ قبول برجام برداشته شود و (JCPOA, 2-15, Annex 5, Pares 19-21) حداکثر روز انتقال ۸ سال از تاریخ قبول برجام است، اما اگر در طول این مدت مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طی گزارشی به شورای حکام و شورای امنیت سازمان ملل اعلام نماید که آژانس به این نتیجه گسترده (جامع) رسیده که کلیه مواد هسته‌ای در ایران در فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای قرار دارند، روز انتقال آغاز خواهد شد.

بر اساس برجام، توافق شد هر سه تحریم مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای علیه ایران (تحریم‌های شورای امنیت، تحریم‌های اتحادیه اروپا و تحریم‌های ایالات متحده آمریکا) برداشته شود. اتحادیه اروپا متعهد شد محدودیت‌ها و تحریم‌های خود علیه ایران را در زمینه‌های امور مالی، بانکی و بیمه، بخش‌های نفت و گاز و پتروشیمی، کشتیرانی، کشتی‌سازی و حمل‌ونقل، طلا، سایر فلزات گران‌بها اسکانس و سکه، تدابیر مرتبط با اشاعه هسته‌ای، فلزات، نرم‌افزار، اشخاص حقیقی، حقوقی یا نهادهای ایرانی که دارایی آن‌ها توقیف و ممنوع‌الورود شده‌اند را لغو نماید.

ایالات متحده نیز متعهد شد طبق جدول زمانی مقرر در ضمیمه ۵ برجام محدودیت‌ها و تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران را در زمینه‌های بانکی و مالی، بیمه، بخش‌های نفت و گاز و پتروشیمی، کشتیرانی و کشتی‌سازی بنادر، طلا و سایر فلزات گران‌بها، نرم‌افزار و فلزات، خودروسازی، اقدامات مرتبط با منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای و سایر تدابیر مرتبط با تجارت را رفع نماید.

بر اساس برجام توافق شد متن آن به تأیید شورای امنیت سازمان ملل رسیده و تمامی تحریم‌های شورا در

ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران (JCPOA, Preamble, 2015, Paras, I and v) برداشته شود. در این زمینه توافق شد که ۵+۱ و اتحادیه اروپا، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را که متن برجام را تأیید و چگونگی برداشتن تحریم‌ها را مشخص نماید تهیه کنند. شش روز بعد از انعقاد برجام، شورای امنیت در ۲۰ جولای ۲۰۱۵ قطعنامه پیشنهادی را تهیه و به تصویب رساند (UNSCR/2231, 2015). به موجب این قطعنامه، شورا برجام را تأیید و مقرر کرد پس از دریافت گزارش آژانس مبنی بر راستی‌آزمایی اجرای تمام تعهدات ایران بر اساس برجام، تمامی قطعنامه‌های تحریمی (۱۶۹۹، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۰۸۳، ۱۸۳۷، ۱۹۲۹، ۲۲۲۴) خود را لغو نماید. خود قطعنامه ۲۰ جولای ۲۰۱۵ نیز ۱۰ سال پس از روز توافق (۱۴ جولای ۲۰۱۵) لغو خواهد شد.

مطابق جدول زمانی مقرر در برجام، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ طی گزارشی به شورای حکام اعلام کرد ایران تمام تعهدات خود بر اساس برجام را انجام داده است (Gov./INF, 2016: 1). در پی این راستی‌آزمایی آژانس، قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت در همان روز (۱۶ ژانویه) لغو شد (The Guardian, 16 Jan, 2016) و برجام نیز به طور رسمی به مرحله اجرا درآمد. در همین تاریخ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۶) اتحادیه اروپا تحریم‌های خود علیه ایران، به نحو مندرج در برجام را برداشت^۱ (EU Information Note 23 Jan 2016, P: 9).

رئیس‌جمهور آمریکا نیز با صدور فرمان اجرایی در ۱۶ ژانویه، تحریم‌های خود علیه ایران به شرح مندرج در برجام را برداشت (Korte, Grogory, US Today, 16 Jan 2016).

لغو تحریم‌ها پس از اجرایی‌شدن برجام، تا حدودی به برخی از نگرانی‌های داخلی راجع به آینده برجام پایان داد. در زمان بررسی برجام در ایران، یکی از نگرانی‌ها این بود که تحریم‌ها پس از آنکه ایران به تمامی تعهدات خود عمل کرد، لغو نشود. البته، این نگرانی نیز تا حد زیادی منطقی بود. سابقه منفی طرف‌های برجام به ویژه آمریکا و نبود ضمانت اجرایی عینی در برجام برای وادار کردن اتحادیه اروپا، آمریکا و شورای امنیت به لغو تحریم‌ها منشأ اصلی این نگرانی بود، اما به هر جهت در روز اجرای برجام (۲۶ تیر ۱۳۹۴) تحریم‌ها علیه ایران نیز به لحاظ حقوقی برداشته شدند. در مدت کوتاهی از زمان اجرا، لغو این تحریم‌ها در عمل نیز اثرات خود را نشان داده‌اند. دومین گزارش وزارت امور خارجه راجع به اجرای برجام در ۲۶ تیر ۱۳۹۵، مؤید این واقعیت است (وزارت امور خارجه، دومین گزارش اجرای برجام، ۲۶ تیر ۱۳۹۵). به رغم اینکه موانع عملی تحریم‌ها هنوز به طور کامل رفع نشده و سنگ‌اندازی‌هایی از سوی برخی از دولت‌ها انجام می‌شود، اما این مشکلات عملی، نباید از ارزش و اهمیت برجام در لغو مبانی حقوقی تحریم‌های بین‌المللی علیه کشور بکاهد. اوضاع ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی کشور نیز در عمل بسیار متفاوت از زمانی است که تحریم‌ها اعمال می‌شدند. شورای امنیت برای تصویب قطعنامه‌های خود علیه ایران ۵ سال زمان صرف کرد. همین‌طور اروپا و آمریکا چندین سال برای اعمال تحریم و تشدید

1. Lifted

تحریم‌های خود علیه ایران زمان گذاشتند، دیپلماسی و رایزنی‌های موفق و اثرگذار جمهوری اسلامی ایران، توانست در مدت زمان کوتاهی ده‌ها قطعنامه و قانون و مقررات مربوط به تحریم‌ها را لغو نماید و وضعیت بین‌المللی کشور را از تحریم به کشور آزاد و انجام همکاری‌ها و تعاملات بین‌المللی تبدیل نماید و این برچسب را «که کشور تحت تحریم، تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی است» از کشور بردارد.

تثبیت حقوق ایران در زمینه غنی‌سازی و آب سنگین

دانش و فناوری مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری هسته‌ای و آب سنگین و رآکتورهای آب سنگین، در زمره دانش و فناوری‌های هسته‌ای حساس محسوب می‌شود. تصور بر این است که دولتی که به توان غنی‌سازی هسته‌ای برای تولید سوخت نیروگاه‌های آب سبک خود دست پیدا می‌کند، بالقوه از این توان برخوردار می‌شود که با افزایش میزان غنی‌سازی اورانیوم به بیشتر از ۹۵ درصد، به تولید ماده اولیه ساخت تسلیحات هسته‌ای تولید دست پیدا کند. به عبارت دیگر، کشوری که می‌تواند غنی‌سازی در حد ۵ درصد برای تولید سوخت رآکتورهای قدرت را انجام دهد، در مدت زمان کوتاهی می‌تواند با چرخش سیاست خود به سمت افزایش درصد غنی‌سازی و تولید بمب اتم حرکت نماید. بازفرآوری هسته‌ای نیز به این سبب که توان جداسازی پلوتونیوم (ماده‌ای قوی‌تر از اورانیوم) را به دولت دارنده دانش و فناوری بازفرآوری می‌دهد، در زمره فناوری‌های حساس تلقی شده است. اورانیوم ماده طبیعی است، اما پلوتونیوم در طبیعت وجود نداشته و طی فرآیندی از سوخت مصرف‌شده^۱ (سوختی که در رآکتورهای هسته‌ای استفاده شده و مدت استفاده آن تمام شده است) حاصل می‌شود. سوخت مصرف‌شده پس از عمل بازفرآوری دارای ۲ محصول پلوتونیوم و پسمان^۲ می‌شود که پسمان غیر قابل استفاده شده و می‌بایست به روش ایمن دفن شود. در عین حال، پلوتونیوم به عنوان ماده اولیه سوخت رآکتورها قابل استفاده مجدد در رآکتورهاست. همانند اورانیوم، چنانچه پلوتونیوم بیش از ۹۵ درصد غنی شود، می‌تواند به عنوان ماده اولیه بمب‌های هسته‌ای پلوتونیومی که به مراتب قوی‌تر از بمب‌های اورانیومی هستند، تبدیل شود. این واقعیت سبب شد، فناوری بازفرآوری هسته‌ای جزو فناوری‌های هسته‌ای حساس قلمداد شده و مبادلات بین‌المللی آن، همانند غنی‌سازی تابع محدودیت‌ها و شرایط خاصی شود. (Goldschmith, 2006: 7) آب سنگین و رآکتورهای آب سنگین نیز به این لحاظ از حساسیت برخوردار شده‌اند که در تولید پلوتونیوم نقش مهمی دارند. رآکتورها به دو دسته آب سبک و آب سنگین تقسیم (تا ۲۰ درصد) می‌شوند. از سوخت مصرف‌شده رآکتورهای آب سبک پلوتونیوم به نسبت کمتری استحصال می‌شود، اما سوخت رآکتورهای آب سنگین اورانیوم طبیعی (غنی‌نشده) است و آب سنگین در تقسیم‌کننده‌های آن نقش دارد. رآکتورهای آب سنگین که با اورانیوم

1. Spent fuel

2. Waste

طبیعی و آب سنگین کار می‌کنند، در مقایسه با رآکتورهای آب سبک که با اورانیوم غنی شده و آب سبک فعالیت می‌کنند، پلوتونیوم بیشتری تولید می‌کنند که از این رو، در زمره فناوری حساس هسته‌ای قرار گرفته‌اند. ایران در استراتژی انرژی هسته‌ای خود، تولید برق از هر دو روش رآکتورهای آب سبک و آب سنگین را پیش‌بینی کرد. در کنار ساخت تأسیسات فرآوری و غنی‌سازی اورانیوم در اصفهان و نطنز برای تأمین سوخت رآکتورهای آب سبک، کارخانه تولید آب سنگین و رآکتور آب سنگین را صرفاً برای اهداف تحقیقاتی و صلح‌آمیز در اراک تأمین کرد (Squassoni, 2007: 6).

معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، این حق را به دولت‌ها اعطا کرده که از هر منبع فناوری (غنی‌سازی، بازفرآوری و آب سنگین) برای اهداف صلح‌آمیز هسته‌ای استفاده کنند، اما، حساس بودن این فناوری‌ها، در عمل سبب شد دست‌یابی دولت‌ها به آن‌ها یا تحصیل آن‌ها از طریق موافقت‌نامه‌های همکاری هسته‌ای را با نگرانی‌ها و محدودیت‌هایی مواجه کرد. کشورهای پیشرفته هسته‌ای، با تصویب قوانین و مقررات خاص، صدور این فناوری‌ها به کشورهای تابع شرایط سخت قرار داده و در مواردی ممنوع کردند. به عنوان مثال، ایالات متحده آمریکا، در قانون منع اشاعه هسته‌ای (۱۹۷۸) خود صدور فناوری غنی‌سازی و بازفرآوری را تابع شرایط سخت قرار داد (Ausness, 1981: 95).

با آشکار شدن توان غنی‌سازی هسته‌ای و آب سنگین اراک در اوایل قرن بیست و یکم، تلاش‌های رقبا و دشمنان برای غیرمشروع جلوه‌دادن فعالیت‌های غنی‌سازی و آب سنگین ایران آغاز شد. سازوکارها و امکانات حقوقی سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط (آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت) به منظور منع ایران از تداوم فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و آب سنگین و نهایتاً تعطیلی آن‌ها به کار گرفته شد. از سوی این سازمان‌ها، ده‌ها قطعنامه به منظور غیرقانونی و نامشروع جلوه‌دادن این فعالیت‌ها تصویب شد. هرچند این قطعنامه‌ها ناعادلانه تصویب شدند، اما به لحاظ مقررات حقوق بین‌المللی الزام‌آور و از اعتبار حقوقی برخوردار بودند. از جهت حقوقی، این قطعنامه‌ها، حتی به مقررات معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که حق دولت‌ها بر غنی‌سازی و تولید آب سنگین و رآکتور آب سنگین برای اهداف صلح‌آمیز را تأیید کرده، تقدم و برتری داشتند. بر اساس مقررات منشور سازمان ملل، قطعنامه‌های شورای امنیت، بر مقررات هر معاهده بین‌المللی برتری دارد (UN charter, 1945, Art: 103). رویه قضایی بین‌المللی نیز این برتری را تأیید کرده است (ICJ Reports, 1998: 36).

هرچند ایران به عنوان یکی از اعضای معاهده منع گسترش هسته‌ای از حق غنی‌سازی و تولید آب سنگین و ساخت رآکتور آب سنگین برخوردار بوده، اما با وجود قطعنامه‌های متعدد آژانس و شورای امنیت و این واقعیت حقوقی که قطعنامه‌های شورای امنیت بر مفاد و مقررات معاهده مذکور برتری دارند، مبنای حق ایران در این زمینه با تزلزل و بی‌ثباتی حقوقی مواجه شده بود. برجام به این تزلزل پایان داد و با پیش‌بینی محدودیت‌هایی، حقوق ایران در زمینه فعالیت‌های غنی‌سازی و آب سنگین را تثبیت کرد. اینکه

این مبانی حقوقی این فعالیت‌ها در قطعنامه‌های مذکور چگونه متزلزل شده و برجام چگونه به این تزلزل خاتمه داد موضوعی است که ادامه این مقاله به توضیح و بررسی آن پرداخته است.

۱. تزلزل مبانی حقوق ایران در زمینه غنی‌سازی و تولید آب سنگین و ساخت رآکتور آب سنگین

شورا در اولین قطعنامه خود راجع به برنامه هسته‌ای ایران در سپتامبر ۲۰۰۳، خواستار تعلیق فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی از سوی کشور شد (Gov./23/69, 2003, Para: 3).

شورای حکام در ۱۱ قطعنامه بعدی خود این درخواست را تکرار کرد (متن این قطعنامه‌ها در سایت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موجود است). با ارجاع موضوع ایران به شورای امنیت، درخواست تعلیق آژانس به وسیله شورا نیز تکرار شد. شورای امنیت در قطعنامه ۳۱ جولای ۲۰۰۶، از ایران خواست تمامی فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی از جمله تحقیق و توسعه را به حالت تعلیق درآورد (UNSCR/1696, 2006: 2). شورا از تمامی دولت‌ها نیز خواست از کمک به ایران در این زمینه امتناع نمایند. این درخواست شورای امنیت، در قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ آن تکرار گردید.

در خصوص فعالیت‌های مربوط به آب سنگین نیز آژانس و شورای امنیت درخواست‌های مشابهی را عنوان کردند. شورای حکام در قطعنامه ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ خود ساخت رآکتور آب سنگین در اراک را نگران‌کننده دانست و خواستار تجدید نظر در ساخت آن شد (Gov./ 2004, 49, Para: 8) و در قطعنامه‌های بعدی خود تا قبل از برجام این درخواست را تکرار کرد. پس از ارجاع موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت، این شورا نیز در دومین قطعنامه خود به تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۶، ضمن تکرار درخواست آژانس مبنی بر تجدید نظر در ساخت رآکتور آب سنگین اراک، خواستار تعلیق تمام پروژه‌های مربوط به آب سنگین شد و از تمامی دولت‌ها خواست از کمک به ایران در این زمینه خودداری نمایند (UNSCR/1137, 2006: 1-3). تعلیق تمامی فعالیت‌های مربوط به آب سنگین و تحریم بین‌المللی ایران در این زمینه، در تمامی قطعنامه‌های بعدی شورای امنیت راجع به ایران تا قبل از برجام تکرار شد.

هرچند ایران به این قطعنامه‌ها و قعی نهاد و به فعالیت‌های خود در زمینه غنی‌سازی و آب سنگین ادامه داد، اما از منظر حقوقی، همان‌گونه که اشاره شد، این قطعنامه‌ها از اعتبار حقوقی برخوردار بوده و در عمل از سوی اعضای سازمان ملل رعایت شدند. این قطعنامه‌ها با درخواست از ایران مبنی بر بازنگری در ساخت رآکتور اراک، تعلیق، فعالیت‌های آب سنگین و غنی‌سازی هسته‌ای، مبانی اعمال حقوق کشور در این زمینه را متزلزل ساختند. حتی در جریان مذاکرات برجام، برخی از دولت‌ها منکر حقی برای ایران در زمینه غنی‌سازی شدند، اما نهایتاً با دیپلماسی فعال کشور، حقوق ایران در زمینه غنی‌سازی و فعالیت‌های آب سنگین با لحاظ محدودیت‌هایی تثبیت شد.

۲. برجام و تثبیت حقوق ایران در غنی‌سازی و فعالیت‌های آب سنگین

با انعقاد و اجرایی شدن برجام، نه تنها تمامی موانع حقوقی (قطعنامه‌های آژانس و شورای امنیت) ممنوعیت ایران در استیفای حقوق خود در زمینه غنی‌سازی و فعالیت‌های آب سنگین رفع شد، بلکه به صورت ایجابی نیز در مقررات برجام مورد تأیید و تثبیت قرار گرفت. بر اساس برجام، حق ایران مبنی بر انجام غنی‌سازی و فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی، از جمله تحقیق و توسعه تصدیق شد، اما با قبول این محدودیت از سوی ایران که تا ۱۵ سال فعالیت‌های غنی‌سازی خود تا سقف ۳/۶۷ فقط در سایت نطنز انجام دهد و مازاد بیش از ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده تا ۳/۶۷ را بر اساس قیمت‌های بین‌المللی به فروش رسانده و یا با اورانیوم طبیعی تعویض کند. تا ۱۰ سال تعداد سانتریفیوژها در نطنز از ۵۰۶۰ تجاوز نکند. تا ۱۰ سال، فعالیت‌های تحقیق و توسعه ایران در ارتباط با غنی‌سازی اورانیوم با سانتریفیوژهای IR-5، IR-6 و IR-8 انجام شود (JCPOA, 2015, Para: 2-7).

در خصوص فعالیت‌های آب سنگین نیز موافقت شد راکتور آب سنگین اراک پس از طراحی آن و کاهش ظرفیت آن از ۴۰ مگاوات به ۲۰ مگاوات و همین‌طور تغییر سوخت آن به ۳/۶۷، باقی بماند. ایران پس از ۱۵ سال اختیار احداث سایر راکتورهای آب سنگین را داشته باشد. کارخانه آب سنگین اراک با همان شکل موجود، باقی بماند و تولید آب سنگین را ادامه دهد، اما با این محدودیت که تا ۱۵ سال آب سنگین مازاد بر مصرف داخلی خود را در بازارهای بین‌المللی عرضه نماید (JCPOA, 2015, Para, 8-10). با اینکه وجود این محدودیت‌ها برای کشور خوشایند نیست، اما به عنوان مابه‌ازای به رسمیت شناختن اصل حقوق ایران در زمینه غنی‌سازی و فعالیت‌های آب سنگین و لغو تحریم‌ها قابل توجه بوده و دستاورد و موفقیت مهمی محسوب می‌شود. اساساً تمام توافقات بین‌المللی چنین ویژگی دارند و اساس آن‌ها را بده و بستان‌های طرفین تشکیل می‌دهد و برجام نیز از این قاعده تبعیت کرده است. برخی از نویسندگان متذکر شده‌اند که حق غنی‌سازی (Right to enrichment) صریحاً در برجام ذکر نشده و برجام صرفاً اجازه غنی‌سازی را با محدودیت‌هایی به ایران داده است (Katzman, 20, 2016: 7). در پاسخ باید گفت عدم قید صریح «حق غنی‌سازی» تأثیری در تصدیق بهره‌مندی ایران از غنی‌سازی هسته‌ای نداشته و در هر حال ایران به فعالیت غنی‌سازی خود با محدودیت‌هایی ادامه خواهد داد و اینکه اسم آن را حق گذاریم یا امتیاز، باز هم فایده عملی در پی نخواهد داشت.

الزام دولت‌های پیشرفته هسته‌ای به همکاری با ایران در زمینه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای

برجام، ضمن پیوست سه خود، دولت‌های ۵+۱ و اتحادیه اروپا را ملزم به همکاری با ایران در زمینه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کرده است. آن پیوست، ۵+۱ و اتحادیه اروپا را مشخصاً در زمینه‌های ذیل متعهد (Undertake) به همکاری با ایران کرده است (JCPOA, Annex III, 2015, Paras 4-16):

- رآکتورها، سوخت‌ها و فناوری‌ها، تأسیسات و فرآیندهای مربوطه.
- پروژه مدرن‌سازی رآکتور اراک
- تأمین سوخت جدید
- فعالیت‌های تحقیق و توسعه هسته‌ای
- ایمنی، پادمان و امنیت هسته‌ای
- پزشکی هسته‌ای
- پسمانداری و از کاراندازی تأسیسات هسته‌ای
- ساخت آب‌شیرین‌کن‌های هسته‌ای و توسعه فناوری لیزر برای کاربردهای پزشکی.

هرچند به لحاظ حقوقی ماهیت این الزامات (الزام به همکاری) از نوع حقوق نرم است، و عملی شدن آن منوط به انعقاد قراردادهای موافقت‌های جداگانه است، پیش‌بینی آن در برجام نکته مثبتی است و می‌تواند پیشرفت هسته‌ای کشور را تسهیل و تسریع نماید. قبل از برجام، اعضای اتحادیه اروپا و ۵+۱ ملزم به قطع همکاری‌های هسته‌ای خود با ایران بودند، اما پس از برجام این الزام برداشته شده و جای خود را به تعهد به همکاری داده است. آثار الزام به همکاری‌های بین‌المللی هسته‌ای در مدت کوتاهی از عمر اجرایی شدن برجام نیز در عمل مشهود بوده است. دومین گزارش وزارت امور خارجه به مجلس شورای اسلامی تأثیرات عملی الزام دولت‌های پیشرفته هسته‌ای به همکاری با ایران در زمینه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را این‌گونه گزارش کرده است: «پیش از اجرایی شدن برجام، با توجه به شماری از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هر گونه همکاری صلح‌آمیز هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران ممنوع بوده و حتی نمایندگان کشورمان با محدودیت‌های متعددی برای حضور در جلسات فنی روبه‌رو بودند. با اجرایی شدن برجام و برداشته شدن این محدودیت‌ها به تدریج همکاری‌های دوجانبه، بین‌المللی و یا در قالب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آغاز و از جمله امکان حضور نمایندگان کشورمان در مجامع علمی و تحقیقاتی و همکاری با دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط فراهم شده است. در مجموع، روند رو به رشدی مشاهده می‌شود که دستاوردهای بلندمدتی برای کشورمان در پی خواهد داشت. از جمله می‌توان موارد ذیل را عنوان کرد:

بین‌المللی

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: علاوه بر تغییر رویکرد در گزارش‌های مدیر کل که عمدتاً روند مثبتی را در پیش گرفته، بر خلاف سال‌های قبل که مشکل بودجه مطرح می‌شد، در جلسه سال جاری با چنین مشکلی مواجه نبودیم. این روند مثبت در موضوعات فنی نیز مشاهده می‌شود، کما اینکه پس از اجرای برجام، امکان بازنگری در فعالیت‌های مرتبط با پروژه‌های ملی (در قالب TC) که پیش از اجرای برجام از سوی آژانس مورد موافقت قرار نگرفته بود، فراهم شده است.

حضور رابط ملی ایران در همکاری‌های فنی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (NLO) و معاون رابط ملی (NLA) در نشست رابطین ملی: در چند سال گذشته، به دلیل تحریم‌ها از ایران برای حضور در این نشست دعوت نمی‌شد که در سال جاری این امر محقق گردید.

پروژه‌های فنی: پیش از اجرای برجام از ۴۶ مورد از این پروژه‌ها، ایران مجاز به شرکت در ۳۱ پروژه بود که در ۷ مورد به صورت موردی و بر حسب نوع فعالیت مجوز حضور داده می‌شد و در ۸ پروژه هم از ایران دعوت به عمل نمی‌آمد. پس از اجرای برجام، ایران نمایندگان سازمان برای شرکت در کلیه ۴۶ پروژه دعوت شده‌اند.

رفع محدودیت‌های اعمال‌شده برای شرکت نمایندگان کشورمان در نشست‌های چهار کمیته استاندارد ایمنی: در برخی موارد پیش از اجرای برجام، کارشناسان کشور در این چهار کمیته که شامل NUSCC (کمیته استانداردهای ایمنی هسته‌ای)، WASSC (کمیته استانداردهای ایمنی پسماند)، RASSC (کمیته استانداردهای ایمنی پرتوی) و TRANSSC (کمیته استانداردهای ایمنی حمل‌ونقل) می‌باشند، امکان حضور نداشتند. لیکن پس از برجام با رفع محدودیت‌ها نمایندگان سازمان انرژی اتمی ایران در کلیه جلسات کمیته‌های چهارگانه مشارکت مؤثر دارند.

منطقه‌ای و بین منطقه‌ای

اتحادیه اروپا: جلسات و مذاکرات متعددی میان کارشناسان این اتحادیه و جمهوری اسلامی ایران در بروکسل و تهران برای اجرایی کردن طرح‌های همکاری در حوزه ایمنی هسته‌ای برگزار شده و طرح‌های پیشنهادی در حوزه ایمنی هسته‌ای در حال تکمیل است. در پی سفر کمیسیونر انرژی اتحادیه اروپا به ایران و انتشار بیانیه مشترک همکاری در زمینه انرژی هسته‌ای، دو طرف برای ارتقاء همکاری ابراز تمایل کرده و گام‌های اولیه برای تعیین چارچوب همکاری و محورهای مورد علاقه طرفین برداشته شده است. همچنین، بنا به دعوت اتحادیه اروپا، کارشناسان حوزه نیروگاهی کشور در دوره تخصصی مرتبط با آزمودن استرس نیروگاه‌های هسته‌ای در بروکسل شرکت کردند.

شرکت AF: با علاقه‌مندی این شرکت که کنسرسیومی از کشورهای سوئیس، سوئد و چک است، مذاکرات برای همکاری به ویژه در حوزه طراحی نیروگاهی در برنامه قرار گرفته است. پیش‌نویس اولیه قرارداد بازننگری مدارک طراحی مفهومی رآکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک در همکاری با این شرکت نیز تنظیم شده است.

پروژه بین‌المللی ITER در فرانسه: با توجه به علاقه ایران برای عضویت در این پروژه، رئیس محترم سازمان انرژی اتمی ایران سفری به فرانسه داشته و امضای یادداشت تفاهم همکاری در این زمینه و دیگر موارد با طرف مقابل در دست اقدام است. در این راستا، ملاقاتی میان مسئولین این پروژه با نمایندگان کشورمان در وین صورت گرفته و رئیس محترم سازمان انرژی اتمی ایران به اتفاق معاون محترم فناوری

رئیس جمهور و هیئت همراه، بازدید از این پروژه در فرانسه داشتند که مقرر شد موضوع همکاری ایران در طول سفر هیئتی از ITER به ایران مورد بررسی واقع شود. پروژه FAIR از دیگر پروژه‌های مطرح بین‌المللی است که در کشور آلمان قرار دارد و مذاکرات اولیه برای جلب نظر طرف‌های درگیر برای عضویت و مشارکت ایران در این پروژه مهم آغاز شده است.

دوجانبه

ژاپن: در پی سفر هیئت ژاپنی به تهران و بازدید از نیروگاه اتمی بوشهر، سفر رئیس محترم سازمان انرژی اتمی ایران و دو نوبت سفر کارشناسان کشورمان به این کشور، مذاکرات و ملاقات متعددی با مسئولین نظام ایمنی هسته‌ای ژاپن صورت پذیرفت. برای آغاز همکاری و با بازدید هیئت کشورمان از مرکز آموزشی و پاسخ به وضعیت‌های اضطراری هسته‌ای ژاپن، مقرر شد ۱۰ نفر از کارشناسان نظام ایمنی هسته‌ای کشورمان با تقبل کلیه هزینه‌ها توسط طرف ژاپنی به آن کشور عزیمت نمایند. همچنین، مذاکرات در خصوص ارتقاء همکاری‌ها در حوزه ایمنی هسته‌ای با مشارکت در تجهیز مرکز مجهز ایمنی هسته‌ای مطابق بند ۳ برجام و برگزاری همایش ایمنی هسته‌ای در تهران در جریان است.

سوئیس: پس از دیدارهای متقابل مسئولین نظام‌های ایمنی هسته‌ای دو کشور ایران و سوئیس در پی ابراز تمایل این کشور به همکاری، پیش‌نویس یادداشت تفاهم همکاری مبادله و نهایی گردیده و مقرر است در حاشیه اجلاس کنفرانس عمومی در وین در مهرماه سال جاری اسناد امضا و مبادله شوند. اسپانیا: مذاکرات مختلف در تهران و مادرید با هدف ارتقاء سطح همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای به ویژه ایمنی هسته‌ای صورت گرفته و در دست پیگیری است.

روسیه: بررسی‌های فنی و ارزیابی‌های لرزه‌نگاری در خصوص احداث دو واحد نیروگاه برق هسته‌ای هزار مگاواتی در تأسیسات نیروگاهی بوشهر به پایان رسیده و تأمین اعتبار برای آغاز اجرای قرارداد در دست پیگیری قرار دارد. لازم به ذکر است همکاری‌های کشورمان با روسیه در خصوص همکاری در زمینه ایزوتوپ‌های پایدار نیز در دست پیگیری است.

مجارستان: به دعوت وزیر امور خارجه این کشور، در سفر رئیس محترم سازمان انرژی اتمی ایران به مجارستان مذاکرات اولیه در زمینه طراحی و ساخت رآکتورهای کوچک انجام پذیرفته و مورد استقبال طرف مقابل قرار گرفته است. متن سند یادداشت تفاهم همکاری نیز نهایی شده و به زودی امضا خواهد شد. کره جنوبی: طی سفر وزیر صنایع کشور کره جنوبی، زمینه‌های همکاری از جمله ساخت واحدهای جدید و تأمین اعتبار نیروگاه‌های اتمی توسط کره جنوبی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. مذاکرات دو طرف در این خصوص در دست پیگیری است.

فرانسه: در پی مذاکرات صورت‌گرفته میان معاون رییس دفتر رئیس جمهور و رئیس شرکت EDF

فرانسه در حاشیه سفر رئیس محترم جمهور به فرانسه، از مدیران شرکت‌های EDF و AREVA دعوت به عمل آمد. مذاکرات اولیه کارشناسی میان هیئت‌های ایرانی و فرانسوی به منظور یافتن زمینه‌های مشترک همکاری صورت گرفته و مراتب در دست پیگیری است.

جمهوری چک: بنا به دعوت وزیر امور خارجه این کشور، هیئتی از سازمان انرژی اتمی ایران به ریاست جناب آقای دکتر صالحی به این کشور سفر کرده و زمینه‌های مشترک همکاری دو طرف در دست بررسی و اقدام است. هیئتی از چک به زودی از تهران بازدید خواهد کرد.

جمهوری اسلواکی: در پی سفر رئیس محترم سازمان انرژی اتمی ایران به کشور اسلواک، پیگیری موضوعات مورد علاقه طرفین به منظور همکاری در دستور کار قرار دارد. هیئت اسلواک به زودی از سازمان انرژی اتمی ایران بازدید خواهد کرد.

برزیل: با هماهنگی‌های صورت گرفته هیئتی کارشناسی از سازمان انرژی اتمی ایران از آزمایشگاه‌های استاندارد اولیه در زمینه دوزیمتری چشمه‌های براکی تراپی در برزیل بازدید کردند. «دومین گزارش اجرای برجام، وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵/۴/۲۶».

این گزارش به اختصار اتفاقات مثبتی که در چند ماه اخیر پس از اجرایی شدن برجام در زمینه همکاری‌های هسته‌ای با ایران رخ داده را نشان داد. حصول به این مقدار از همکاری بین‌المللی هسته‌ای، در مدت زمان کوتاه، تحول بین‌المللی مثبتی برای کشور محسوب می‌شود و ضمن اینکه می‌تواند زمینه‌های علمی و فنی در حوزه هسته‌ای را تقویت نمایند، اعتبار و جایگاه ایران در سطح بین‌المللی را ارتقا می‌بخشد. هرچند همکاری‌های هسته‌ای بین‌المللی ایران در ابتدای راه است، اما اندک پیشرفتی هم که در این خصوص حاصل شده، دستاورد کم‌اهمیتی محسوب نمی‌شود. اهمیت این موضوع آنگاه بهتر درک می‌شود که بدانیم همکاری بین‌المللی هسته‌ای میان کشورها به سطح روابط سیاسی-راهبردی بالایی نیاز دارند و اکنون که برجام زمینه‌ها و مقدمات این همکاری را فراهم آورده، لازم است کشور با مدیریت هوشمند خود از فرصت‌ها و شرایط مثبت موجود بهره کافی برای توسعه هسته‌ای ببرد.

نتیجه‌گیری

هسته اصلی هر توافق بین‌المللی دادن یا از دست دادن چیزی در مقابل به دست آوردن یا ستاندن چیز دیگری است. بر حسب شرایط طرفین، مابه‌ازای توافق ممکن است در مواقعی متعادل و در مواردی دیگر نامتوازن باشد. برجام نیز به عنوان توافق بین‌المللی از همین اصل تبعیت کرده و از یک سو، حقوق و امتیاز و از سوی دیگر تعهد و محدودیت برای کشور در پی داشته است. حقوق و امتیازات، دستاوردها و موفقیت‌های برجام هستند که در زمینه‌های مختلف، از جمله حقوقی کرد پیدا کرده‌اند. در حوزه حقوقی، برجام دستاوردهای مهمی داشته است که مقاله حاضر به توضیح و ارزیابی آن‌ها پرداخت. در سایه برجام،

به لحاظ حقوقی، اصل حقوق کشور در زمینه غنی‌سازی و آب سنگین تثبیت گردید، ابهام احتمال فعالیت نظامی هسته‌ای در ایران برطرف شد، کشور از فصل هفت منشور خارج گردید، تحریم‌های شورای امنیت علیه آن برداشته شد، تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا لغو گردید و زمینه همکاری بین‌المللی با برخی از کشورهای پیشرفته هسته‌ای فراهم آمد. این موفقیت‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. عملی‌شدن کامل این موارد مستلزم گذشت زمان است و نباید بدعهدی دولت خاصی در اجرای تعهدات برجامی خود، ناکامی کامل برجام تلقی شود. موفقیت‌های حقوقی ایران در برجام را نباید صرفاً به لغو عملی تمامی تحریم‌ها محدود کرد و سایر دستاوردهای آن را نادیده گرفت. برجام دستاوردهای دیگری نیز داشت که اگر نمی‌بودند شرایط بین‌المللی و حتی داخلی کشور قطعاً به شکلی که اکنون هست نمی‌بود. به هر حال، برجام با برطرف کردن برخی مشکلات حقوقی بین‌المللی مهم، فضای بین‌المللی مساعد و مناسبی به وجود آورده که استفاده مدبرانه از آن می‌تواند پیشرفت‌های مهمی را برای کشور در پی داشته باشد. مدیریت کلان کشور برای استفاده حداکثری از این فضا باید برنامه‌ریزی نماید و هر اندازه این برنامه‌ریزی قوی‌تر باشد، میزان بهره‌مندی از آن نیز بیشتر خواهد شد. تحقق کامل دستاوردهای حقوقی برجام در عمل مستلزم گذشت زمان است و قطعاً در این مسیر با مشکلاتی نیز مواجه خواهد شد، همان‌گونه که اکنون مواجه شده است. کشور می‌تواند با مدیریت مناسب پسابرجامی، ضمن فائق‌آمدن بر مشکلات اجرای عملی برجام، بیشترین بهره‌مندی‌ها را از شرایط بین‌المللی به وجود آمده در جهت پیشرفت و مصالح ملی بنماید؛ و سخن آخر اینکه اکنون برجام، با معایب و مزایایش اجرا شده و در این مقطع زمانی، آنچه مهم می‌نماید، استفاده از جوانب مثبت آن برای تحقق اهداف عالی کشور است. موانع و مشکلات به وجود آمده برای آن از سوی برخی کشورها نیز باید با دیپلماسی مدبرانه مرتفع شود.

منابع

- «متن کامل اولین گزارش وزارت امور خارجه به مجلس درباره اجرای برجام»، *خبرگزاری تسنیم*، ۱۳۹۵/۱/۲۹
- «متن کامل دومین گزارش وزارت امور خارجه به مجلس درباره اجرای برجام»، *خبرگزاری تسنیم*، ۱۳۹۵/۵/۲۶
- «متن طرح اقدام متناسب دولت در اجرای برجام»، *خبرگزاری تسنیم*، ۹۴/۷/۲۱
- ایزدی، پیروز (۱۳۸۹) «تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران: ابعاد، دلایل و پیامدها»، *گزارش راهبردی*، شماره ۳۱۹، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۴) *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
- غمامی، سید مهدی (۱۳۹۲) «تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم‌های آمریکا علیه ایران»، *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، تابستان.
- فتاحی زعفرندی، علی (۱۳۹۴) «بررسی ابعاد حقوقی برجام در نظام جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهشکده شورای نگهبان*، ۹۴/۶/۱۰
- Albright, A. Stricker, A. and Kelleher- Vergantini, S. (2015) "Analysis of the IAEA's Report on the Possible Military Dimensions of Iran's Nuclear Program ISIS Report".
- Cooperation between the Islamic Republic of Iran and the Agency in the light of United Nations Security Council Resolution 1737 (2006), *Report by the Director General*, GOV/2007/7Date: 9 February 2007.
- COUNCIL REGULATION (EU) 2015/1861 of 18 October 2015 amending Regulation (EU) No 267/2012 concerning restrictive measures against Iran.
- Goldschmidt, P. (2006) "The Urgent Need to Strengthen the Nuclear Non-Proliferation Regime policy", <http://fpc.state.gov/documents/organization/212999.pdf>, (Consulted 4 December 2013).
- IAEA Safety Glossary, IAEA, Vienna 2016,
- Implementation of the NPT Safeguards Agreement and relevant provisions of Security Council resolutions in the Islamic Republic of Iran *Report by the Director General*, GOV/2011/65Date: 8 November 2011
- Implementation of the NPT safeguards agreement in the Islamic Republic of Iran *Report by the Director General*, GOV/2003/40: 6 June 2003
- Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran Resolution adopted on 4 February 2006, GOV/2006/14Date: 4 February 2006

Iran-EU joint statement on Cooperation in the field of nuclear energy, April 17 2016

Joint Comprehensive Plan of Action implementation and verification and monitoring in the Islamic Republic of Iran in light of United Nations Security Council Resolution 2231 (2015), Resolution adopted by the Board of Governors on 15 December 2015, IGOV/2015/72

Katzman, K. (2013) "Iran Sanctions. Washington D.C.: Congressional Research Service Report for Congress, July 26",

Königs, T & Szabóová, S. (2014) The IAEA'S Right to Visit Sites Accused of Developing Nuclear Weapons Systems: The Parchin Facility in Iran, AMSTERDAM LAW FORUM VOL 6: 2.

Mardani, N. & Hooshmand, M.M (2016) "JCPOA: A Dialectical Paradigm of Treaty and other International Instruments", **Journal of Politics and Law**, Vol. 9, No. 3, Published by Canadian Center of Science and Education.

Morrison, F. (2015) "UN Sanctions: Change is Coming, But Risks and Uncertainties Remain", **Client Alert**.
Outlook Carnegie endowment for international peace.

Rennack, D.E (January 22, 2016) "Iran: U.S. Economic Sanctions and the Authority to Lift Restrictions", Congressional Research Service.

Resolution 1696 (2006) Adopted by the Security Council at its 5500th meeting, on 31 July 2006

Resolution 1737 (2006) Adopted by the Security Council at its 5612th meeting, on 23 December 2006

Resolution 1747 (2007) Adopted by the Security Council at its 5647th meeting on 24 March 2007

Resolution 1929 (2010) Adopted by the Security Council at its 6335th meeting, on 9 June 2010

Resolution 2231 (2015) Adopted by the Security Council at its 7488th meeting, on 20 July 2015

Salehi, Ali Akbar (2010) Vice President of the Islamic Republic of Iran and Head of Atomic Energy Organization of Iran. At IAEA 57" General conference (GC/ 54).

Schott, J. (fall 2008) "Chapter VII as Exception: Security Council Action and the Regulative Ideal of Emergency", **Northwestern Journal of International Human Rights**, Volume 6 / Issue 1.

Serna Galván, M. (2011) "INTERPRETATION OF ARTICLE 39 OF THE UN CHARTER (THREAT TO THE PEACE) BY THE SECURITY COUNCIL. IS THE SECURITY COUNCIL A LEGISLATOR FOR THE ENTIRE INTERNATIONAL COMMUNITY?" Instituto de Investigaciones Jurídicas - UNAM, in www.juridicas.unam.mx

Squassoni, S. (2007) "Iran's Nuclear Program: Recent Developments", **CRS Report for congress Order**, Code RS21592, Updated March 8.

The Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA, 14 July 2015).

United States Participation in the United Nations: A Report by the Secretary of state to kongresss for yaer 2007